

Investigating the relationship between different sociological and social components with the level of learning of German language learners

Abstract

The main purpose of this study is to investigate the relationship between different sociological and social components with the level of learning of German language learners (introductory level A1). In order to achieve the objectives of the research, the required information was collected through standard questionnaires whose validity and reliability were confirmed and the data of the participants in the present study were statistically analyzed using SPSS software. The statistical sample of this study consists of 120 students of Shahid Beheshti University Foreign Language Training Center who are learning German as a second language. In this study, the average use of language learning strategies for each strategy was calculated and compared based on the components studied by the participants. ANOVA statistical test was used to compare participants' scores. For this purpose, the average use of language teaching strategies among different language learners in terms of economic, social and cultural status were assessed. Based on the final results, the components of education, income status, housing status, economic status and learning culture in learning German by students in this field make a statistically significant difference at the level of 95%. In other words, the results show that higher education, higher income and economic status, housing and intrinsic motivation make a significant difference in learning German.

Keywords: Social components, Sociological components, Economic status, German language learning, Basic level A1

بررسی ارتباط مؤلفه‌های مختلف جامعه‌شناسی و اجتماعی با سطح یادگیری زبان آموزان زبان آلمانی

اشکان پیوندی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۲۴

افسون گودرزپور عراق^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۳

پرستو پنجه‌شاهی^۳

چکیده

در این مطالعه بررسی ارتباط بین مؤلفه‌های مختلف جامعه‌شناسی و اجتماعی با سطح یادگیری زبان آموزان زبان آلمانی (سطح مقدماتی A1) هدف اصلی قرار گرفته است. در جهت دستیابی به اهداف تحقیق، اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه‌های استاندارد که روایی و پایایی آن تأیید شده است، جمع‌آوری شده و داده‌های شرکت‌کنندگان در تحقیق حاضر با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفته است. نمونه آماری این مطالعه را ۱۲۰ نفر از زبان آموزان مرکز آموزش زبان‌های خارجی دانشگاه شهید بهشتی که در حال یادگیری زبان آلمانی به عنوان زبان دوم هستند، تشکیل داده است. در این مطالعه میانگین استفاده از استراتژی‌های آموزش زبان برای هر استراتژی محاسبه و براساس مؤلفه‌های مورد بررسی شرکت‌کنندگان مقایسه شد. برای مقایسه نمرات شرکت‌کنندگان از آزمون آماری ANOVA استفاده شد. بدین منظور، میانگین استفاده از استراتژی‌های آموزش زبان در میان زبان آموزان متفاوت از نظر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفتند. براساس نتایج نهایی بدست آمده، مؤلفه‌های میزان تحصیلات، وضعیت درآمد، وضعیت مسکن، وضعیت اقتصاد و فرهنگ یادگیری در یادگیری زبان آلمانی توسط زبان آموزان این رشته به لحاظ آماری تفاوت معناداری در سطح ۹۵ درصد ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر، نتایج نشان می‌دهد تحصیلات بالاتر، و وضعیت درآمدی و اقتصادی بالاتر، دارا بودن مسکن و انگیزه‌های درونی به طور معناداری در یادگیری زبان آلمانی تفاوت ایجاد می‌نمایند.

کلمات کلیدی: مؤلفه‌های اجتماعی، مؤلفه‌های جامعه‌شناختی، وضعیت اقتصادی، فراگیری زبان آلمانی،

سطح مقدماتی A1

^۱گروه آموزش زبان آلمانی، دانشکده زبان‌های خارجی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران ashkan.peyyvandi@gmail.com

^۲گروه آموزش زبان آلمانی، دانشکده زبان‌های خارجی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) Afsoun.gpour@gmail.com

^۳گروه آموزش زبان آلمانی، دانشکده زبان‌های خارجی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران Par.panjeshahi@iauctb.ac.ir

طی فرایند جهانی‌سازی و افزایش چشمگیر ارتباط مردم سراسر جهان با یکدیگر به بهانه‌هایی مانند تبادلات اقتصادی گسترده و درهم‌تنیده، مبادلات فرهنگی، جریان‌های مهاجرتی، مسافرت‌های خارجی و غیره، و دوچندان شدن سرعت این فرایند بر اثر گسترش روزافزون ابزارهای ارتباط جمعی بر پایه فناوری اطلاعات، مفهوم ارتباط با بیگانه یا به‌عبارتی؛ پدیده ارتباط افراد از فرهنگ‌های مختلف با یکدیگر از جایگاهی ویژه در زمانه معاصر برخوردار شده است (درگاهی و حدادی، ۱۳۹۷). از این‌رو، امروزه در عصر جهانی ارتباطات، کسب و ارتقای «مهارت ارتباطی» از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در ارتباطات شفاهی، تسلط بر تلفظ^۲ صحیح و آهنگ کلام مناسب، نقش مهمی در انتقال در دست محتوای کلام و مخدوش نشدن پیام‌های طرفین ارتباط دارد. پر واضح است که انگیزه و نیز احساسات و هیجانات در فرایند یادگیری انسان بسیار تأثیرگذارند (حدادی و میثمی، ۱۳۹۸). این در حالی است که دست‌یابی به تلفظ صحیح و لهجه‌ای استاندارد در زبان خارجی چندان ساده نیست. تفاوت‌های فردی در یادگیری زبان و موفقیت در یادگیری زبان‌های خارجی از اهمیت بسیاری برخوردار است که پژوهش‌های مختلفی به بررسی متغیرهای متعدد پرداخته‌اند (عباسی و همکاران، ۱۴۰۰).

رابطه زبان و فرهنگ از دیرباز مورد توجه فلاسفه، جامعه‌شناسان و زبان‌شناسان بوده است. گمانه‌زنی‌ها درباره منشأ زبان و رابطه میان زبان و تفکر، تفکر و فرهنگ، زبان و فرهنگ در حوزه‌های مختلف این حوزه بسیار مورد بحث قرار گرفته است. بر اساس این مطالعات، آموزش زبان خارجی، خارج از بافت فرهنگی زبان هدف، تنها زمانی کارآمد خواهد بود که با آموزش دستکم برخی از ویژگی‌های فرهنگی جامعه زبانی هم‌زمان باشد (رستم بیک و رضایی، ۱۳۹۱).

براون معتقد است زبان بخشی از فرهنگ و فرهنگ بخشی از زبان است. این دو به گونه‌ای درهم‌تنیده‌اند که نمیتوان آنها را از یکدیگر جدا کرد؛ به‌عبارتی، فرهنگ و زبان جدا ناشدنی هستند (۱۶۵: ۱۹۹۴, Brown). وی میگوید زبان هم وسیله‌ای ارتباطی است و هم حامل فرهنگ. زبان بدون فرهنگ تصورناپذیر است و چنین است فرهنگ آدمی بدون زبان. زبان خاص در واقع آینه فرهنگ خاص است (Wei, ۲۰۰۵). آشنایی با فرهنگ‌های مختلف کمک می‌کند زبان‌ها با بصیرت جدیدی یاد گرفته شوند، باعث می‌شود نسبت به معنای کلمات و اصطلاحات درک عمیق‌تری پیدا شده و برقراری ارتباط راحت‌تر صورت پذیرد.

بنابراین، در یادگیری زبان‌ها عوامل مختلفی همچون فرهنگ، آداب و رسوم، جنسیت و زبان دخیلند (داویس، ۲۰۱۷: ۴۸۶). موضوعی که در مورد یادگیری زبان آلمانی نیز مصداق دارد. از این‌رو، این مطالعه به بررسی ارتباط مؤلفه‌های مختلف جامعه‌شناسی و اجتماعی با سطح یادگیری زبان آموزان زبان آلمانی می‌پردازد. در زمینه رابطه عوامل مختلف و یادگیری زبان آلمانی مطالعات زیادی انجام شده است که در ادامه به اختصار به برخی از آنها اشاره شده است:

^۱ *Kommunikationskompetenz*

^۲ *Aussprache*

^۳ *Davis, 2017.*

بررسی آموزش و یادگیری آلمانی در سال‌های اولیه و مدارس ابتدایی در انگلستان موضوع مطالعه ای است که هزل کریسچون^۴ در مطالعه خود در سال ۲۰۲۱ بدان پرداخته است. در این مطالعه و وضعیت آموزش و یادگیری آلمانی مورد مطالعه قرار گرفته است و این نتیجه بدست می‌آید که یک برنامه منسجم تربیت معلم، از جمله برنامه درسی، روش، مواد و اهداف ارزشیابی، که با تعهد مالی مشخصی پایه گذاری شده است، باید برای حمایت از معلمان و زبان آموزان مقدماتی زبان آلمانی وجود داشته باشد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش :

کنگ و همکاران^۵ (۲۰۲۱) در مطالعه خود به بررسی عوامل زبان و غیر زبان در یادگیری زبان خارجی می‌پردازد. در این مطالعه به این سؤال پرداخته می‌شود که چرا زبان‌های بومی و خارجی با شکاف عملکردی زیاد یاد می‌شوند. از این رو، این مطالعه ارتباط موفقیت یادگیری در L1-L3 را بررسی کرده و استدلال می‌کند که شرایط یادگیری ممکن است نشان دهد که چگونه این زبان‌ها از نظر موفقیت یادگیری مرتبط هستند. از آنجایی که این زبان‌ها تحت پیوستاری از شرایط طبیعی تا کلاس درس از L1 تا L3 آموخته شدند، این نمونه فرصتی منحصر به فرد برای ارزیابی این فرضیه به ما داده که شرایط یادگیری مشابه بین زبان‌ها می‌تواند یک نیروی محرکه مهم در تعیین موفقیت یادگیری زبان باشد. پس از کنترل عوامل غیرزبانی مانند زمینه موسیقی و عوامل انگیزشی و استفاده از همگرایی تحلیل‌ها شامل مدل‌های خطی کلی، مدل‌های معادلات ساختاری و یادگیری ماشینی، این نتیجه حاصل شد که هر چه دو زبان به پیوستار شرایط یادگیری نزدیک‌تر باشند، قوی‌تر می‌شوند. به طور کلی نتایج نشان می‌دهد که شرایط یادگیری ممکن است پیامدهای مهمی برای موفقیت یادگیری L1-L3 داشته باشد. تانیر^۶ (۲۰۲۰) مشکلات یادگیری آلمانی به عنوان زبان سوم توسط دانشجویان مقطع کارشناسی ترکیه را موضوع مطالعه خود قرار داده است. نتایج این مطالعه که ۲۹ دانشجو از سه رشته دانشگاهی در یک دانشگاه دولتی در ترکیه (مدیریت سفر و راهنمای گردشگری، مدیریت گردشگری و هتلداری و مدیریت هواپیمایی) مورد مطالعه قرار گرفتند، نشان داد که دانشجویان مقطع کارشناسی به دلیل سه عامل اصلی مانند حقایق زبانی، در یادگیری زبان آلمانی L3 با مشکل مواجه بودند. عدم انگیزه، نگرش منفی نسبت به زبان آلمانی، سطح آمادگی برای یادگیری زبان آلمانی L3 و عدم اعتماد به نفس دانشجویان و همچنین تحولات فرهنگی-اجتماعی، مسائل مالی و محیط یادگیری از دلایل مشکلات یادگیری مرتبط با زبان آلمانی است. اوبودوئه^۷ و همکاران^۸ (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای آموزش و یادگیری آلمانی را به عنوان یک زبان خارجی در سطح سوم برای زبان آموزان نیجریه مورد بررسی قرار داده‌اند. این مطالعه، روشی را توضیح می‌دهد که معلمان می‌توانند آموزش زبان آلمانی را به عنوان یک زبان خارجی (GLF) در محیط کلاس درس متمرکز کنند به گونه‌ای که دانش آموزان بتوانند با در نظر گرفتن تجربیات واقعی خود به روشی خودجوش ارتباط برقرار کنند. آموزش زبان ارتباطی (CLT) یک روش آموزش زبان است که بر تعامل به عنوان وسیله و هدف مطالعه تاکید دارد. در اینجا آموزش زبان ارتباطی با ترکیبی از چند روش دیگر به وضوح توضیح داده شده

^۴ Hazel Crichton
Kang et al, 2021

^۶ Tanir

^۷ Obodoeze, et al, 2018.

است. فیختنر^۸ (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای با عنوان فرهنگ یادگاری در زبان مقصد، بررسی می‌کند که زبان‌آموزان زبان خارجی (FL) (یادگیرندگان آلمانی) چگونه آموزش فرهنگ را در L1 (انگلیسی) خود می‌بینند و اینکه آیا استفاده از L1 آنها درک آنها از زبان و فرهنگ آلمانی را تا چه اندازه افزایش می‌دهد. در کلاس‌های زبان آلمانی، روش‌هایی که افراد بومی آلمانی (NSS) ابراز محبت می‌کنند، اغلب در اوایل زمانی که دانش‌آموزان را در مکالمات درباره خانواده، دوستان یا روابط شخصی خود درگیر می‌کنند، مورد توجه قرار می‌گیرند. این مطالعه با استفاده از مثال دروس مربوط به معنا و استفاده از ابراز محبت و دوستی آلمانی در سطح مقدماتی، به سه حوزه تحقیق می‌پردازد: (الف) نحوه درک دانش‌آموزان از استفاده از L1 و L2 در دروس مربوط به فرهنگ، (ب) آیا دانش‌آموزان هنگام یادگیری فرهنگ در کلاس، L1 یا L2 را ترجیح می‌دهند، و (ج) تا چه حد استفاده از L1 بر درک دانش‌آموزان از عبارات فرهنگی در آلمانی تأثیر می‌گذارد. تأثیر مولفه‌های فرهنگی در یادگیری زبان انگلیسی عنوان مطالعه‌ای است که شریفی و اکبری (۱۳۹۹) آن را مورد بررسی قرار داده‌اند. در این مطالعه، ۴۰ زبان‌آموز را در دو کلاس متفاوت، هر کلاس ۲۰ نفر، تحت آموزش زبان انگلیسی قرار دادند و از تحلیل داده‌های به دست آمده، این گونه نتیجه گرفتند که بین دو مفهوم زبان و فرهنگ ارتباط نزدیکی وجود دارد و هم‌پوشی زبان و فرهنگ در آموزش زبان انگلیسی نیز امری بارز است. همچنین، مؤلفه‌های فرهنگی تأثیر قابل توجهی بر یادگیری زبان انگلیسی و افزایش بسامد واژه‌های درست و به جا و درک بهتر زبان انگلیسی در زبان‌آموزان دارد. بنابراین، زبان‌آموزان کلاس شماره ۱ که در معرض آموزش مؤلفه‌های فرهنگی بودند، به نسبت زبان‌آموزان کلاس شماره ۲، در تعامل با محیط بیرون و در برخورد با افراد انگلیسی‌زبان از درک بالاتری برخوردار بودند. حدادی و میثمی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای به بررسی تأثیر «تداخل زبانی» بر فراگیری تلفظ صحیح در زبان آلمانی برای زبان‌آموزان ایرانی در سطح مقدماتی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد از مهمترین عوامل مؤثر بر کیفیت تلفظ در زبان خارجی، تداخل الگوهای رایج تلفظ در زبان مادری است. نادر و مالکی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان واکاوی یادگیری زبان آلمانی در ایران بر مبنای نظریه «خود انگیزشی زبان دوم»، تعداد ۳۷۰ نفر زبان‌آموز ایرانی مؤسسه زبان آلمانی تهران (DSIT) انتخاب کرده و انگیزه آنها بر اساس نظریه‌ی خود انگیزشی زبان دوم (L2 Motivational Self System) مورد بررسی قرار دادند. بررسی‌های این تحقیق بر اساس خودهای ممکن (possible selves) و مقایسه آن با نتایج پژوهش‌های صورت گرفته در زبان انگلیسی نشان می‌دهد که انگیزش یادگیری زبان آلمانی رابطه‌ی معناداری با مؤلفه‌های نظریه فوق، یعنی «خود ایدآل زبان دوم خود-باید زبان دوم (L2 Ought-to Self) و «تجربه‌های محیطی زبان دوم (L2 Learning Experiences)» دارد. در این بین «نقش انگیزش ابزاری» در میان فراگیران زبان آلمانی در ارتباط با این نظریه پررنگ‌تر از سایر فاکتورهای انگیزشی است. برزگر و البرزی (۱۳۹۸) در مقاله پژوهشی با عنوان تأثیر سن زبان‌آموزان بر یادگیری تلفظ زبان آلمانی بر اساس داده‌های دانشجویان ایرانی، با استناد به فرضیه دوره بحرانی که یادگیری کامل هر زبان را پس از سن خاصی ناممکن می‌داند، انجام گرفته است. دو گروه از دانشجویان ایرانی که در سنین مختلف زبان آلمانی را آموخته‌اند، مورد بررسی قرار گرفتند. تلفظ آنها از طریق روخوانی سه متن آلمانی بوسیله پنج ارزیاب بومی آلمانی مورد ارزیابی قرار گرفت. هدف یافتن گویشور در حد بومی زبان آلمانی در میان زبان‌آموزان دو گروه بود. براساس

^۸ Fichtner, Friederike (2015)

تحقیقات متعدد در رابطه با سن زبان آموزی، احتمال دست یافتن زبان آموزان زیر ۱۲ سال به مهارت تلفظ در حد گویشوران بومی وجود دارد. با توجه به اینکه بیشتر زبان آموزان گروه اول از بدو تولد در محیط آلمانی زبان رشد نموده اند، انتظار میرفت در میان آنان تعدادی به عنوان گویشور بومی شناخته شوند. پرسش مطرح شده این بود که آیا در میان زبان آموزان بزرگسال، فردی با تلفظ در حد گویشور بومی یافت میشود؟ در نهایت، نه تنها هیچ کدام از زبان آموزان گروه دوم نتوانستند به عنوان گویشور بومی شناخته شوند، بلکه در گروه اول نیز هیچ زبان آموزی نتوانست در هر سه متن بر اساس نظر ارزیابها گویشور بومی شناخته شود. نتایج این تحقیق در راستای فرضیه دوره بحرانی یادگیری قرار می‌گیرد. روحی و درگاهی ترکی (۱۳۹۶) در مقاله ای با عنوان سنجش انگیزه فراگیران زبان آلمانی در ایران و پیامدهای آموزشی آن، با سنجش انگیزه فراگیران ایرانی به دو سوال زیر پاسخ داده اند: اول، آیا انگیزه فراگیران از یادگیری زبان آلمانی در انتخاب مؤسسه زبان، نقش دارد؟ دوم، انگیزه و اهداف زبان آموزان از یادگیری زبان آلمانی چه پیامدهایی را در فرآیند آموزش دارد؟ در این پژوهش؛ با رویکرد توصیفی — پیمایشی و با کمک مقیاس «لیکرت»، ۱۵۰ نفر از فراگیران ایرانی (زبان آلمانی)؛ در دو گروه هدف — که یکی از آنان در مؤسسات ایرانی مشغول به تحصیل بودند و گروه دیگری در یک مؤسسه آلمانی در ایران شرکت کردند. یافته‌های اولیه حاکی از تفاوت در انگیزه‌های یادگیری و علت انتخاب مؤسسه در دو گروه بوده؛ بنابراین نقش «تفاوت انگیزه» در انتخاب محل زبان آموزی محرز است. از دیگر نتایج حاصله این مهم بود که کتب آموزش زبان آلمانی در ایران، همگی تألیف کشور آلمان بوده و مناسب زبان آموزانی است که قصد مهاجرت به آن مناطق را دارند، بنابراین برای پاسخ به نیاز فراگیران بومی، طراحی و تألیف محتوای بومی نیز لازم است. رستم بیگ و رضانی (۱۳۹۱) در مطالعه خود به بررسی نقش فرهنگ در زبان خارجی پرداخته‌اند. بر اساس نتایج این مطالعه، آموزش زبان خارجی، خارج از بافت فرهنگی زبان هدف، تنها زمانی کارآمد خواهد بود که با آموزش دست کم برخی از ویژگی‌های فرهنگی جامعه زبانی هم زمان باشد.

روش شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از حیث جمع آوری داده‌ها، پژوهشی میدانی است که از پرسشنامه و بررسی اسناد و مدارک برای جمع آوری اطلاعات استفاده می‌کند. با توجه به موضوع تحقیق که به بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته می‌پردازد، از نوع پیمایشی است. این مطالعه از نظر هدف کاربردی است و نتایج بدست آمده حاصل از بررسی رابطه مؤلفه‌های جامعه‌شناسی و اجتماعی با سطح یادگیری زبان آموزان زبان آلمانی (سطح مقدماتی A1) می‌باشد. در این مطالعه از سه پرسشنامه استفاده شده است. پرسشنامه اول شامل ۶ مقیاس اصلی راهبردهای یادگیری زبان دوم است که در هر کدام ۶ تا ۱۴ سؤال ارائه شده است و در مجموع دارای ۵۰ سؤال است.

پرسشنامه دوم تحقیق، پرسشنامه‌ی فرهنگ یادگیری در مدرسه بارنت و همکاران (۲۰۰۱) و شامل ۲۳ سؤال و ۵ مقیاس اصلی است. پرسشنامه سوم نیز مربوط به سنجش وضعیت اقتصادی-اجتماعی قدرت نما (۱۳۹۲) است که شامل ۵ سؤال و ۴ مؤلفه اقتصادی-اجتماعی می‌باشد. زبان آموزان به پرسشنامه‌های پنج رتبه ای طیف لیکرت (Likert) پاسخ دادند. پرسشنامه به زبان آموزانی که سطح اول آموزش زبان

آلمانی را گذرانده بودند داده شد. آنها به فاصله ی ۱۵ الی ۲۰ دقیقه پرسشنامه ها را تکمیل کردند. برآورد پایایی پرسشنامه ها نیز با استفاده از «آلفای کرونباخ» صورت گرفته و از آنجایی که مقادیر آلفا برای همه مؤلفه ها بالاتر از ۰,۷ است، پایایی آن مورد تأیید قرار گرفته است.

جامعه آماری این مطالعه را زبان آموزان مرکز آموزش زبان های خارجی دانشگاه شهید بهشتی تشکیل داده است که از این تعداد ۱۲۰ نفر از زبان آموزانی که در حال یادگیری زبان آلمانی به عنوان زبان دوم هستند، به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. تجزیه و تحلیل این مطالعه با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شده است. بدین منظور، میانگین استفاده از استراتژی های آموزش زبان آلمانی برای هر استراتژی محاسبه و بر اساس هر یک از مؤلفه های اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی در مورد شرکت کنندگان مقایسه شد. همچنین میانگین کلی نمره استراتژی های آموزش زبان برای همه استراتژی ها نیز بر اساس مؤلفه های مورد بررسی شرکت کنندگان محاسبه و مقایسه شد. برای مقایسه نمرات شرکت کنندگان از آزمون آماری ANOVA استفاده شد.

یافته ها

در این بخش پیش از آزمون فرضیات تحقیق لازم است تا نرمال بودن توزیع داده ها مورد بررسی قرار گیرد. برای بررسی نرمال بودن داده ها از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف استفاده شده است که نتایج آن در جدول شماره (۱) ارائه گردیده است. نتایج این آزمون نشان می دهد که زمینه برای آزمون های پارامتریک (T و F) فراهم است، چرا که آزمون نرمال بودن توزیع داده ها (کلموگروف-اسمیرنوف) برای همه داده های مورد بررسی معنادار نیست، یعنی داده های مربوط به متغیرهای مربوطه دارای توزیع نرمالی هستند.

جدول شماره ۱: آزمون نرمال بودن توزیع داده ها

	وضعیت مسکن	وضعیت اقتصادی	سطح درآمد	تحصیلات	سطح یادگیری	وضعیت مییزان
تعداد	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰
آماره آزمون	۰.۸۵	۰.۲۹۹	۰.۱۶۸	۰.۱۵۶	۰.۱۲۰	۰.۱۲۰
سطح معنی داری	۰.۳۲۳	۰.۰۹۱	۰.۱۳۹	۰.۱۳۲	۰.۱۳۲	۰.۱۸۹

نتایج آزمون نرمال بودن نشان می دهد که زمینه برای آزمونهای پارامتریک (T و F) فراهم است، چرا که آزمون نرمال بودن توزیع داده ها (کلموگروف اسمیرنوف) برای یادگیری زبان آلمانی و مؤلفه های اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی معنی دار نیست، یعنی داده های مربوط به متغیرهای مربوطه دارای توزیع نرمالی هستند. در این راستا مؤلفه های اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی یادگیری زبان آلمانی مورد سنجش قرار گرفته که در ذیل ارزیابی معیارهای مربوطه ارائه شده است.

یافته های تحقیق در جدول ۲، نشان می دهد که در خصوص موارد مؤثر بر یادگیری زبان آلمانی، بالاترین میانگین مربوط به معیار وضعیت تحصیلی با میانگینی برابر با ۴/۳۰ و کمترین میزان میانگین

مربوط به معیار و وضعیت مسکن با میانگینی برابر با ۲/۴۵ است و این که میانگین کلی هم که میانگین همه مؤلفه‌های مورد بررسی تحقیق می‌باشد، برابر با ۳/۲۷ است.

در خصوص معناداری آزمون هم می‌توان گفت تمامی معیارهای مورد بررسی سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ را به خود اختصاص داده اند و بنابراین، تفاوت معناداری را نشان می‌دهند. چرا که میانگین بدست آمده آنها (میانگین تجربی) نزدیک به میانگین نظری ۳ نبوده و اختلاف میانگین نسبتاً بالایی بین میانگین‌های تجربی با میانگین نظری وجود دارد. همچنین مقدار آماره T بزرگتر از ۱/۹۶ بوده و معیارهای مورد بررسی در سطح ۹۵ درصد معنادار می‌باشد. به عبارت دیگر، بین میانگین نظری با میانگین‌های بدست آمده (میانگین تجربی) تفاوت معنی داری وجود دارد. بنابراین، این فرضیه که بین مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زبان آموزان زبان آلمانی تفاوت معنی داری وجود دارد، پذیرفته می‌شود.

جدول شماره ۲: آزمون T تک نمونه‌ای برای سنجش مؤلفه‌های اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی یادگیری زبان آموزان زبان آلمانی

آمار توصیفی		آمار تحلیلی					مؤلفه های اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی
		ارزش تست = ۳					
میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	معناداری دو دامنه ای	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان ۹۵٪	
					کران بالا	کران پایین	
۴.۳۰۸۳	۱.۳۱	۵.۰۶۹	۱۱۹	.۰۰۵	.۱۲۸۳۳	.۰۲۳۰۱	میزان تحصیلات
۲.۷۵۰۰	۱.۲۹	۷.۴۲۳	۱۱۹	.۰۰۳	.۰۵۰۰۰	.۲۸۴۲	وضعیت درآمد
۲.۴۵۸۳	۱.۰۸	۹.۴۷۵	۱۱۹	.۰۰۰	.۵۴۱۶۷	.۲۳۷۶	وضعیت مسکن
۲.۶۱۶۷	۱.۰۴	۸.۱۹۸	۱۱۹	.۰۰۰	.۷۸۳۳۳	.۲۷۲۵	وضعیت اقتصاد
۴.۲۱۱۷	۰.۵۶۱	۱۳.۲۷۷	۱۱۹	.۰۰۰	.۶۸۸۳۳	.۳۹۱۰	فرهنگ یادگیری
۳.۲۷۳۸	۰.۵۹۶	۷.۷۵۲	۱۱۹	.۰۰۱۸	.۳۰۳۲	.۴۳۰۱	میانگین کلی

فرضیه بعدی که این تحقیق در پی بررسی آن است، بررسی تأثیر ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی بر یادگیری زبان آموزان زبان آلمانی است. در این راستا، آنالیز واریانس یک طرفه می‌تواند به تشخیص معناداری تفاوت مؤلفه‌های اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی زبان آموزان کمک کند. زمانی از آزمون آنالیز واریانس یکطرفه استفاده می‌شود که بیش از دو طبقه برای مقایسه وجود داشته باشد. آزمون واریانس یا آنوآ یا F جزو آزمون‌های پارامتری است و بایستی متغیرهای آن به طور نرمال توزیع شده باشند. برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از چندین روش می‌توان استفاده نمود که مهم‌ترین این روش‌ها آزمون کلموگروف - اسمیرنوف است. در این راستا و با توجه به نتایج آزمون مربوطه در جدول (۱) می‌توان گفت که زمینه برای آزمون واریانس از نرمال بودن توزیع داده‌ها فراهم است. همچنین برای استفاده از بعضی تکنیک‌های آماری مانند آزمون t با دو نمونه مستقل و f با سه نمونه مستقل و بیشتر لازم

است به آزمون برابری واریانس‌ها پرداخته شود. برای این منظور از آزمون لون (Levene's Test) استفاده می‌شود. یعنی فرض صفر متعلق بودن دو نمونه به جامعه‌هایی با واریانس برابر را آزمون می‌کنیم؛ این آزمون نباید معنادار باشد. در این صورت می‌توان گفت که واریانس گروه‌ها یکسان است. یعنی تفاوت معناداری از نظر تغییرپذیری بین گروه‌ها وجود ندارد. نتایج حاصل از آزمون لون در جدول شماره (۳) ارائه شده و می‌توان گفت که مؤلفه‌های مورد بررسی در میزان تحصیلات، وضعیت درآمد، وضعیت مسکن، وضعیت اقتصاد و فرهنگ یادگیری از واریانس مساوی برخوردار است. چرا که سطح معناداری بزرگتر از ۰/۰۵ در صد است. حال با توجه به نرمال بودن توزیع داده‌ها و مساوی بودن واریانس گروه‌ها، زمینه برای آزمون واریانس یا F (مقایسه میانگین طبقات متغیر) فراهم شده است.

جدول شماره ۳: آزمون همگنی واریانس گروه‌ها

آماره لون	درجه آزادی بین گروهی	درجه آزادی درون گروهی	سطح معناداری
میزان تحصیلات	۱۸	۹۸	۰.۰۸۲
وضعیت درآمد	۱۸	۹۸	۰.۱۹۴
وضعیت مسکن	۱۸	۹۸	۰.۲۳۱
وضعیت اقتصاد	۱۸	۹۸	۰.۰۵۶۰
فرهنگ یادگیری	۱۸	۹۸	۰.۰۶۷۰

نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه در جدول شماره (۴) نشان می‌دهد که میزان تحصیلات، وضعیت درآمد، وضعیت مسکن، وضعیت اقتصاد و فرهنگ یادگیری به طور معناداری یادگیری زبان آلمانی توسط زبان آموزان این رشته را تحت تأثیر قرار می‌دهند. یا به عبارتی بین مؤلفه‌های یاد شده با یادگیری زبان آلمانی به لحاظ آماری تفاوت معناداری در سطح ۹۵ درصد وجود دارد، چرا که سطح معناداری به دست آمده از آزمون واریانس کمتر از ۰/۰۵ درصد است. حال که آزمون F برای متغیرهای یاد شده معنادار است، لازم است تا برای مقایسه آنها از آزمون تعقیبی شفه (scheffe) استفاده شود.

جدول شماره ۴: آزمون همگنی واریانس گروه‌ها

ANOVA					
میانگین	درجه آزادی	مجموع مربعات	F	سطح معناداری	
۱.۳۱۴	۲۱	۲۷.۵۸۷	۰.۷۱۸	۰.۰۰۶	بین گروهی
۱.۸۳۱	۹۸	۱۷۹.۴۰۵			درون گروهی

			۱۱۹	۲۰۶.۹۹۲	کل	
	۰.۰۰۱	۲.۵۷۷	۳.۳۸۳	۲۱	۷۱.۰۳۸	وضعیت درآمد
			۱.۳۱۳	۹۸	۱۲۸.۶۶۲	درون گروهی
			۱۱۹	۱۹۹.۷۰۰	کل	
	۰.۰۱۳	۱.۱۵۰	۱.۳۱۶	۲۱	۲۷.۶۳۲	وضعیت مسکن
			۱.۱۴۴	۹۸	۱۱۲.۱۶۰	درون گروهی
			۱۱۹	۱۳۹.۷۹۲	کل	
	۰.۰۳۴	۱.۱۲۱	۱.۲۰۳	۲۱	۲۵.۲۵۷	وضعیت اقتصاد
			۱.۰۷۳	۹۸	۱۰۵.۱۰۹	درون گروهی
			۱۱۹	۱۳۰.۳۶۷	کل	
	۰.۰۰۲	۰.۹۲۴	۰.۳۰۲	۲۱	۶.۳۴۳	فرهنگ یادگیری
			۰.۳۲۷	۹۸	۳۲.۰۴۰	درون گروهی
			۱۱۹	۳۸.۳۸۴	کل	

نتایج حاصل از آزمون scheffe در جدول شماره (۵) نشان می‌دهد که افراد دارای مدارک بالاتر در یادگیری زبان آلمانی موفق‌تر هستند. به عنوان نمونه افراد دارای مدرک دکتری با میانگین ۳/۶۳ در یادگیری زبان آلمانی موفق‌تر هستند. این موضوع در مورد افراد با وضعیت درآمدی بالا با میانگین (۲/۷۱) نیز مصداق دارد. در مورد وضعیت مسکن زبان‌آموزانی که در خانه ملکی ساکن بودن با میانگین (۳/۴۵) در یادگیری زبان موفق‌تر عمل نموده‌اند. وضعیت اقتصادی خیلی خوب با میانگین (۲/۸۹) نیز نسبت به سایر سطوح درآمدی در یادگیری زبان آلمانی نقش مؤثرتری ایفا نموده است. در مورد فرهنگ یادگیری نیز انگیزه درونی برای یادگیری با میانگین (۳/۹۳) نسبت به سایر ابعاد فرهنگ یادگیری در یادگیری زبان آلمانی نقش مؤثری ایفا نموده است. به عبارت دیگر، هر کدام از زیر شاخص‌های مؤلفه‌های اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی با یکدیگر تفاوت معنی‌داری در سطح ۹۵ درصد دارند.

جدول ۵: تحلیل واریانس تفاوت متغیرهای مؤلفه‌های اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی در یادگیری

زبان آلمانی

متغیرها	طبقات	میانگین	F	سطح معناداری
میزان تحصیلات	لیسانس	۲/۱۷	۵/۹۳	۰/۰۰۰
	فوق لیسانس	۳/۲۴		
	دکتری	۳/۶۳		
وضعیت درآمد	کمتر از ۵ میلیون	۱/۸۶	۴/۹۷	۰/۰۰۰
	۵ تا ده میلیون	۲/۲۱		
	۱۰-۲۰ میلیون	۲/۴۳		

متغیرها	طبقات	میانگین	F	سطح معناداری
	۲۰- ۵۰ بالا	۲/۷۱		
	۵۰ میلیون به بالا	۲/۷۱		
وضعیت مسکن	استیجاری	۱/۳۴	۳/۴۸	۰/۰۰۲
	مالک	۳/۴۵		
	سازمانی	۲/۴۱		
وضعیت اقتصادی	خیلی ضعیف	۱/۶۱	۴/۲۸	۰/۰۰۰
	ضعیف	۱/۸۹		
	متوسط	۲/۳۵		
	خوب	۲/۶۸		
	خیلی خوب	۲/۸۹		
فرهنگ یادگیری	انگیزه درونی برای یادگیری	۳/۹۳	۳/۵۷	۰/۰۰۴
	توجه و مساعدت	۲/۸۶		
	انتظارات شخصی از توانایی تعلیم	۲/۷۶		
	انگیزه بیرونی برای یادگیری	۳/۵۴		
	تعالی در تعلیم	۲/۶۲		

یادگیری نوعی فرآیند است و در هر فرایند عوامل و متغیرهای مختلفی نقش دارند. در فرایند یادگیری زبان‌های خارجی نیز متغیرهای زیادی دخیل هستند که تحت تأثیر یکدیگرند و رابطه تعاملی دارند. به عنوان نمونه، علاوه بر عوامل فردی، ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی نیز در یادگیری زبان‌های خارجی مؤثر هستند. از این رو، در این مطالعه بررسی ارتباط مؤلفه‌های مختلف جامعه‌شناسی و اجتماعی با سطح یادگیری زبان آموزان زبان آلمانی مورد بررسی قرار گرفته است.

بر اساس نتایج بدست آمده، نرمال بودن داده‌ها بر اساس آزمون کلموگروف-اسمیرنوف تأیید شده و سپس با استفاده از آزمون t تک نمونه‌ای و آزمون تحلیل واریانس ANOVA و ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی زبان آموزان مورد سنجش قرار گرفته است. نتایج، بیانگر این است که بر اساس تمامی مؤلفه‌های مورد بررسی تفاوت معنی داری در یادگیری زبان آلمانی توسط زبان آموزان وجود دارد و بالاترین تأثیر نیز متعلق به وضعیت تحصیلی است. به عبارت دیگر، بین مؤلفه‌های میزان تحصیلات، وضعیت درآمد، وضعیت مسکن، وضعیت اقتصاد و فرهنگ یادگیری با یادگیری زبان آلمانی به لحاظ آماری تفاوت معناداری در سطح ۹۵ درصد وجود دارد. نتایج حاصل از آزمون scheffe نیز نشان می‌دهد که افراد دارای مدارک بالاتر، وضعیت درآمدی بالا، دارای مسکن و وضعیت اقتصادی خیلی خوب نسبت به سایر سطوح درآمدی در یادگیری زبان آلمانی نقش مؤثرتری ایفا نموده‌اند. در مورد فرهنگ یادگیری نیز انگیزه درونی برای یادگیری سبب به سایر ابعاد فرهنگ یادگیری در یادگیری زبان آلمانی نقش مؤثری ایفا نموده است. به عبارت دیگر، هر کدام از زیر شاخص‌های مؤلفه‌های اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی با یکدیگر تفاوت معنی داری در سطح ۹۵ درصد دارند.

بنابراین، زبان آموزان مورد مطالعه ما در راستای یادگیری زبان آلمانی، هدف‌گذاری‌های متفاوت و در واقع انگیزه رفتار درونی و بیرونی ویژه‌ای را در یادگیری زبان خارجی آلمانی مد نظر قرار داده‌اند. در تعریف انگیزه درونی و بیرونی می‌توان گفت، اعمال افراد، یا درونی نامیده می‌شود یا برون. اگر محرک به خاطر انجام خود آن عمل یا برای ارضای علائق شخصی کاری را انجام دهد، به آن درونی می‌گویند. در مقابل، اگر محرک خارجی باشد، به آن برون می‌گفته می‌شود. انگیزه برون می‌تواند علاوه بر این از سوی خود شخص تعیین شود؛ مانند علاقه به کسب مقام و شهرت یا به دست آوردن ثروت؛ یا غیر آن را رقم بزند؛ مانند اقدامات تشویقی و تنبیهی از سوی غیر. در هر صورت، در انگیزه برون دلیل و انگیزه به نفس آن عمل بر نمی‌گردد (روحی و درگاهی، ۱۳۹۶).

عده‌ای نیز آلمانی را برای این یاد نمی‌گیرند که در بازه زمانی کوتاه مدتی به آلمان مهاجرت کنند، بلکه می‌خواهند بر روی زبان آلمانی سرمایه‌گذاری آموزشی کنند تا در ایران، در بازار کار و برای ارتقاء فرصت‌های شغلی از آن استفاده کنند؛ لذا ممکن است هرگز هم به این کشورها سفر نکنند و از این دانش صرفاً در ایران استفاده کنند. عده‌ای دیگر این سرمایه‌گذاری را انجام می‌دهند؛ چون احتمال دارد که در آینده دور برای ادامه تحصیل در مقاطع ارشد و دکترا بخواهند به آلمان بروند. در هر صورت، آن تعداد از افرادی که این توان را پیدا می‌کنند که به کشورهای آلمانی زبان بروند، به نسبت تعدادی که زبان آلمانی را می‌آموزند و در ایران باقی می‌مانند، اندک است و اکثریت امید دارند که در بازار کار و تحصیل در ایران، شانس بهتری داشته باشند.

همچنین، بر اساس نتایج و با توجه به مؤلفه‌های اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر یادگیری زبان آلمانی، زبان‌آموزان این حوزه، می‌توانند بطور معقول آرامش خود را حفظ کنند؛ از طرف دیگر نیازی به تشویق خود به صحبت به زبان آلمانی ندارند؛ حتی موقعی که در زبان آلمانی پیشرفت می‌کنند، نیازی به جایزه دادن به خود نمی‌بینند؛ مهتر اینکه موقعی که آلمانی مطالعه می‌کنند، عصبی یا استرسی نمی‌شوند؛ و نیازی به یادداشت کردن احساسات خود هنگام آموزش زبان آلمانی ندارند؛ و اصولاً افراد عاطفی و احساسی نیستند. این رویکرد زبان‌آموزان آلمانی که از نظر عاطفی تحت تاثیر مسائل نمی‌شوند را می‌توان به ذات زبان آلمانی و فرهنگ آمیخته شده در زبان آلمانی نسبت داد که در مدرسان و مجموعه افراد آلمانی زبان که در دوره با زبان آموزان برخورد دارند نسبت داد؛ شاید بتوان گفت به دلیل اینکه زبان آلمانی کمتر تحت تاثیر احساسات افراد می‌باشد و نمود این زبان در افراد به گونه ای است که افراد بعد عاطفی را در زبان آموزی تحت تاثیر قرار نمی‌دهند.

- البرزی ورکی پرویز؛ برزگر، بهار. (۱۳۹۸). تأثیر سن زبان آموزان بر یادگیری تلفظ زبان آلمانی بر اساس داده‌های دانشجویان ایرانی. *پژوهش‌های زبانشناختی در زبانهای خارجی*: doi: 10.22059/jflr.2019.250663.465, ۳۴۷-۳۶۴, ۹(۲),
- روحی، فاطمه؛ درگاهی ترکی، هدی. (۱۳۹۶). سنجش انگیزه فراگیران زبان آلمانی در ایران و پیامدهای آموزشی آن. *پژوهش‌های زبانشناختی در زبانهای خارجی*: doi: 10.22059/jflr.2017.232010.327, ۱۲۹-۱۵۲, ۷(۱),
- حقانی، نادر؛ مالکی، مصطفی. (۱۳۹۷). واکاوی یادگیری زبان آلمانی در ایران بر مبنای نظریه «خود انگیزشی زبان دوم». *پژوهش‌های زبانشناختی در زبان‌های خارجی (پژوهش زبان‌های خارجی)*, ۸(۲), ۶۲۷-۶۴۳.
- اسداله شریفی، معصومه؛ اکبری، سعید (۱۳۹۹). تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی در یادگیری زبان انگلیسی، سومین کنفرانس بین‌المللی مطالعات زبان و ادبیات ملل، ۱۳۹۹.
- رستم بیک نفرشی، آتوسا؛ رمضانی و سوکلانی، احمد (۱۳۹۱)، نقش فرهنگ در آموزش زبان خارجی، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوازدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۱، صص ۳۴-۱۵.
- حدادی، محمدحسین؛ میثمی، شقایق. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر «تداخل زبانی» بر فراگیری تلفظ صحیح در زبان آلمانی برای زبان آموزان ایرانی در سطح مقدماتی. *پژوهش‌های زبانشناختی در زبانهای خارجی*, ۹(۴), ۱۳۳۹-۱۳۶۶.

- Brown, H. D. (1994). Principles of Language Learning and Teaching, Boston: Prentice Hall Regents.
- Buttjes, D. (1990). 'Teaching Foreign Language and Culture: Social Impact and Political Significance', Language Learning Journal, Vol. 2, No. 1.
- Hazel Crichton 2021, «German teaching and learning in early years and primary school in the uk, Early Language Learning Policy in the 21st Century» pp 275-۲۹۱/ *Cite as*.
- Wei, Ying (2005). 'Integrating Chinese Culture with TEFL in Chinese Classroom', Sino-US English Teaching, Vol. 2, No. 7.
- Davis, A. (2017); "It Wasn't Me, It Was My Festival Me: The effect of event stimuli on attendee identity formation", Tourism Management, 61, 484-500.
- Obodoeze, Nkechi; Gerald, Oquike; Obiorah, Agu Basil (2018), Teaching and learning German as a Foreign Language at Tertiary Level: Application of Communicative Language Teaching for Nigerian Learners, Ideal International Journal of Igbo Scholars Forum, Nigeria, Vol.8, No.1, June 2018 ISSN: 2476-8421.
- Fichtner, Friederike (2015). Learning Culture in the Target Language: The Students' Perspectives,
Journal of the American Association of Teachers of German, 48(2):229-243
- Tanir, Ahmet (2020), Learning Difficulties in German as a Third Language Experienced by Turkish Undergraduate Students, International Education Studies; Vol. 13, No. 6; 2020.
- Kang, Xin; Matthews, Stephen; Yip, Virginia; Wong, Patrick C. M. (2021), Language and nonlanguage factors in foreign language learning: evidence for the learning condition hypothesis, npj Science of Learning volume 6, Article number: 28 (2021).